هوالعلیم

توسعه مسجد الحرام در زمان حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السلام

برگرفته از آثار:

حضرت علاّمه آیت‌اللّه حاج سیّد محمدحسین حسینی تهرانی

و

حضرت آیت‌اللّه الحاج سیّد محمدمحسن حسینی تهرانی

قدّس اللّه سرّهما

در تفسير الميزان ج ۳ ص ۳۹۳ گويد: و فى تفسير العياشى عن عبد الصمد، قال: طلب أبو جعفر أن يشترى من أهل مكه بيوتهم أن يزيد فى المسجد؛ فأبوا فأرغبهم فامتنعوا؛ فضاق بذلك.

فأتى أبا عبدالله عليه السلام؛ فقال له: إنّى سألت هؤلآء شيئاً من منازلهم و أفنيتهم لنزيد فى المسجد؛ و قد منعوا فى ذلك؛ فقد غمّنى غمًّا شديداً.

فقال أبو عبدالله عليه السلام: **لم يغمّك ذلك: و حجّتك عليهم فيه ظاهرة!** فقال: و بما احتجّ عليهم؟ فقال **بكتاب الله.** فقال: فى أى موضع؟!

فقال: **قول الله:** ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ﴾ **و قد اخبرك الله: إنَّ أوَّل بيت وضع للناس هو الذى ببكة؛ فان كانوا هم تولَّوا قبل البيت فلهم أفنيتهم؛ و إن كان البيت قديماً فيهم فله فنائه.**

فدعاهم أبوجعفر فاحتجّ عليهم بهذا. فقالوا له: اصنع ما أحببتَ.

و فيه (اى فى تفسير العياشى) عن الحسن بن على بن نعمان، قال: لمّا بنى المهدى فى المسجد الحرام؛ بقيت

دار فی تربیع المسجد؛ فطلبها من أربابها فامتنعوا. فسأل عن ذلك الفقهاء؛ فكلٌّ قال له: إنَّه لا ينبغی ان تدخل شيئاً فی المسجد الحرام غصباً.

فقال له علی بن يقطين: يا أميرالمؤمنين؛ إنّی اكتب الی موسی بن جعفر عليهما السلام لِأُخبرك بوجه الأمر فی ذلك؛ فكتب الی والی المدينة أن يسأل موسی بن جعفر عليهما السلام عن دارٍ أردنا أن ندخلها فی المسجد الحرام؛ فامتنع عليها صاحبها؛ فكيف المخرج من ذلك؟!

فقال ذلك لأبی الحسن عليه السلام: فقال أبو الحسن عليه السلام، فلابدّ من الجواب فی هذا؟!

فقال له: الأمر لابدّ منه. فقال له: **اكتب: بسم اللَه الرحمن الرحيم ان كانت الكعبة هی النازلة بالناس، فالناس اولی بفنائها؛ و ان كان الناس هم النازلون بفنآء الكعبة، فالكعبة أولی بفنائها.**

فلمّا أُتی الكتاب إلی المهدی، أخذ الكتاب فقبّله ثمّ أمر بهدم الدّار. فأتی أهل الدّار أبا الحسن عليه السلام فسألوه ان يكتب الی المهدی كتاباً فی ثمن دارهم.

فكتب اليه أن أوضح لهم شيئاً فأرضاهم.

أقول: و الروايتان مشتملتان على استدلال لطيف. و كأنّ أبا جعفر المنصور كان هو البادئ بتوسعة المسجد الحرام. ثمّ تمَّ الأمر للمهدى. (انتهى ما فى الميزان)

درباره تاريخ الكعبى و شكلها و كسْوتها و منزلتها و ولايتها مطالب موجز و مفيدى در تفسير الميزان ج ۳ از ص ۳۹٤ تا ص ٤۰۰ وارد است.

ترجمه:

در تفسير الميزان از تفسير عياشى از عبدالصمد نقل مى كند:

منصور دوانيقى خليفه عباسى خواست تا مسجد الحرام را گسترش دهد، بدين جهت افرادى را فرستاد تا خانه هاى مجاور بيت اللَه را از صاحبانش خريدارى كنند. مالكين منازل از فروش خانه هاى خود امتناع ورزيدند. منصور براى خريد بر مبلغ اضافه نمود تا بلكه آنان راضى شوند، باز صاحبان خانه از فروش خانه هاى خود سر باز زدند منصور دوانيقى دلتنگ شد و در كار مسجد الحرام متحير ماند.

خلیفه عباسی خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: من از صاحبان این منازل درخواست کردم که قدری از منازل و درگاه آن را بفروشند تا به مساحت مسجد الحرام اضافه کنم ولیکن آنان امتناع ورزیدند و بدین جهت غم و اندوه مرا گرفته است و در کار خود حیران شده ام.

امام صادق علیه السلام فرمودند: برای چه مغموم و اندوهناکی! در حالیکه دلیل و حجت تو بر علیه آنها بسیار روشن و واضح است. منصور عرض کرد: به چه دلیلی با آنان استدلال نمایم؟ حضرت فرمودند: با کتاب الهی قرآن کریم. عرض کرد: در کدام آیه این مطلب وجود دارد؟

حضرت فرمودند: در آیه شریفهٔ: بدرستی که اولین خانه ای که برای مردم بنا شده است آن خانه ای است که در مکه است پس در این صورت خداوند به تو خبر داده است که اولین خانه ای که برای مردم ساخته شده کعبه می باشد، پس اگر این افراد قبل از بنا کعبه در اینجا خانه و مسکن داشته آنها اولی هستند به بقاء و سکنی در این محل و اگر

خانه خدا قبل از بنا خانه های آنها بوده است پس حریم کعبه مقدّم است بر حریم خانه های آنها.

منصور خلیفه عباسی صاحبان خانه ها را فراخواندند و این استدلال را برای آنها بیان کرد آنها نیز گفتند: حال که چنین است هر کاری که مایل هستی بجای آور.

و نیز در تفسیر عیاشی از حسن بن علی بن نعمان نقل می کند:

زمانی که مهدی خلیفه عباسی مسجد الحرام را توسعه می داد در گوشه مسجد الحرام خانه ای بود که صاحبش به فروش آن رضایت نمی داد، خلیفه عباسی این مسأله را با فقهاء حاکم در میان گذاشت همگی به اتفاق فتوی دادند، جایز نیست هیچ چیزی را به طور غصب داخل مسجد الحرام کنی. پس علی بن یقطین به او گفت: من این مسأله را در نامه ای به موسی بن جعفر علیه السلام می نویسم پس به حاکم مدینه نوشت: ما می خواهیم خانه ای را داخل مسجد الحرام کنیم ولیکن صاحب آن رضایت نمی دهد. چگونه می توانیم این مشکل را حل کنیم؟

حاکم مدینه این مطلب را با موسی بن جعفر علیه

السلام در میان گذاشت.

موسی بن جعفر فرمود: آیا پاسخ این سؤال الزامی است؟

حاکم عرض کرد: بلی الزامی است.

حضرت فرمودند: بنویس: بسم اللَه الرحمن الرحیم. اگر کعبه، پس از بناء خانه های اطراف بسوی مردم آورده شده است پس مردم سزاوارترند به حریم خانه های خود. و اگر مردم پس از بناء کعبه به حریم آن پناه آورده اند پس کعبه سزاوارتر است به حریم خود. وقتی که این پاسخ به دست مهدی خلیفه عباسی رسید آنرا بوسید و سپس دستور داد تا آن خانه را خراب کنند. سپس صاحب خانه خدمت موسی بن جعفر علیه السلام رسید و از آن حضرت تقاضا کرد نامه ای به مهدی خلیفه عباسی بفرستید و دستور دهند که قیمت خانه را به آنان بپردازد حضرت نامه ای نوشتند و خلیفه نیز چنین کرد.[1]

داستانی از فرزند علامه طهرانی آیة اللَه سید

[1] مطلع انوار، ج ۲، ص ۲۳۰

محمد محسن حسینی طهرانی:

یکی از علمای معروف طهران که با حضرت والد رضوان اللَه علیه انتساب سببی داشت و قبل از مرحوم والد به رحمت خدا رفته بود به جهت فوت مادرشان و تدفین او در مشهد از طهران به مشهد آمده بودند –مرحوم والد و حقیر نیز در این تشییع شرکت کرده و تا حرم مطهر ایشان را تشییع نمودیم. سپس به منزل مراجعت کردیم.

فردای آن روز آن شخص عالم جهت تشکر به منزل مرحوم والد آمدند و حقیر نیز در آن مجلس حضور داشتم. در بین صحبت بحث به تخریب اماکن و بناهای مجاور حرم مطهر پیش آمد و ایشان به شدت از این مسأله انتقاد می کرد. از جمله می گفتند: مدرسه خیراتخان که زمین آن وقف برای مدرسه علوم دینی است و در کنار صحن مطهر قرار داشته است در این تخریب اخیر از بین رفته و جزء ساختمان های حرم مطهر شده است و من (آن شخص عالم) این مطلب را با یکی از مسؤلین طراز اول در میان گذاشتم و ایشان به شدت ناراحت شده بطوری که لرزه بر اندام او افتاد و گفت: چطور

ممکن است این زمین وقفی را جزء بناهای حرم مطهر نمایند؟! مرحوم والد قدس سره شروع کردند به صحبت و این روایت توسعهٔ مسجد الحرام را در آنجا ذکر کردند و این مسئله را شاهد بر جواز تخریب این مدرسه و الحاق آن به حرم مطهر قرار دادند و همان ملاکی را که امام علیه السلام برای تخریب خانه های مجاور بیت اللَه الحرام ذکر کردند برای جواز تخریب خانه ها و اماکن مجاور حرم مطهر در اینجا ذکر کردند و فرمودند: هیچ اشکالی ندارد زیرا حرم مطهر امام رضا علیه السلام متعلق به همه شیعیان در سراسر دنیا است و او بر سایر تعلقات مِلکی حکومت و غلبه دارد.

آن فرد عالم از این کلام مرحوم علامه بسیار تعجب کرد و گفت: اگر قرار باشد برای زیارت امام رضا علیه السلام که یک امر مستحب و ممدوح است نه واجب انسان مجاز باشد که زمین وقفی را که تصرف آن در غیر مورد وقف شرعاً حرام می باشد تصرف کند پس می توان گفت:

برای غسل جمعه که یک امر مستحب است در

صورت نبودن آب انسان بیاید و آب از شخص دیگر را از دست او برباید و غصب کند و با او غسل جمعه مستحب بجای آورد در حالیکه بالبداهة العقلیة و الشرعیة این عمل حرام است و نه تنها غسل باطل است و مرتکب گناه شده بلکه موجب ضمان نیز می شود.

مضافاً به اینکه در روایت ملاک اولویت بر تقدم بنای کعبه بر سایر بناها ذکر شده است در حالیکه در مورد حرم مطهر قضیه به عکس است زیرا بدن مطهر امام علیه السلام در وقتی در این مکان بخاک سپرده شده بود که اطراف آن معموره و آبادی بوده است و املاک قبل از دفن بدن مطهر وجود داشته است.

مرحوم والد قدس سره دیگر سکوت کردند و مطلب را ادامه ندادند.

روز بعد که به اتفاق ایشان بسمت حرم مطهر برای زیارت می رفتیم به ایشان عرض کردم: این مطلبی که دیروز بین شما و آن شخص بحث شد مطلب بسیار مهم و دقیق و ظریفی است که کسی از آن خبر ندارد مگر بعضی از اهل باطن و معرفت که به حقیقت ولایت ائمه علیه السلام و ضرورت آن و

کیفیت تأثیر گذاری آن در احکام شرعیه رسیده باشند و این مسئله یکی از اسرار عالم تشریع و ملاکات احکام می باشد و آن شخص عالم و غیر او ابداً از این مطالب خبر ندارند.

ایشان فرمودند: بله مسئله همینطور است. اینها خیال می کنند حرم امام رضا علیه السلام با سایر اماکن متبرکه چون مسجد و حسینیه و امثالها یکی است. اینها نمی دانند که زیارت امام رضا علیه السلام اصل و اساس شریعت است و همه احکام و تکالیف به ولایت اینها بر می گردد و حرم امام رضا علیه السلام بعنوان مأمن و ملجأ و پناهگاه و کهف همه شیعیان دنیا مطرح است وهمه باید به اینجا بیایند و بار خود را در اینجا فرود آورند و دین خود را بدینجا عرضه بدارند و از اینجا سیراب شوند و به اوطان خود باز گردند. بنابراین اگر محل زائر امام رضا علیه السلام به نحوی باشد که موجب ضیق و عسر و حرج و زحمت زائر باشد باید ترتیبی داده شود که همه بتوانند با راحتی و انبساط و آرامش به زیارت و کسب فیض موفق گردند. چطور که اگر در موردی

زمینی وقفی موجب عسر و حرج برای اهالی گردد بعنوان حکم ثانوی می توان آنرا تبدیل نمود در اینجا نیز مکان زائر امام علیه السلام از آنجا که باید برای همه علاقمندان و شیعیان و حتی غیر آنها از سایر فرق ملجأ و پناهگاه باشد می توان آن مورد را تبدیل به حسن نمود و سپس ادامه دادند: اینها از شرع و احکام شرع فقط یک ظاهری اندک را یاد گرفته اند و بسیاری از مسائل از دیدگاهشان مخفی می باشد.)[1]

[1] اسرار ملکوت، ج ۲